



کد خبر: 2311 تاریخ: 00:00 1392/11/3

رمز و راز ماندگاری «ایران»

محمد نوری

سردبیر

سال‌های آغازین دهه 70، طبقه چهارم عمارت ایرنا در دوراهی یوسف‌آباد محل اجتماع جمعی از نخبگان فرهنگ و سیاست بود که سودای تغییر در فضای خبری کشور در سر داشتند. میزبانی و مدیریت این محفل بحث را عضوی از سلسله فرماندهان جنگ عهده دار بود. فریدون وردی‌نژاد با آن‌که خود از میان مدیران سیاسی نظام برخاسته بود اما زمان چندانی طول نکشید که در حلقه مردان رسانه‌ای کشور قرار گرفت. در محفل بحثی که آن روز وردی‌نژاد آراسته بود، چهره‌های نامداری از فرهنگ و اندیشه حضور می‌یافتند. در گذر زمان شماری از آنان در جرگه مردان دولت خاتمی و روحانی درآمدند، عده‌ای دیگر نیز در فضای غبارآلود سیاسی به تحقیق و تدریس در دانشگاه بسنده کردند. زنده یاد دکتر معتمدنژاد (پدر علم ارتباطات) پای ثابت جلسات آن روز بود.

روزنامه ایران مولود همین محافل بحث و مشاوره بود. در منظر همه کسانی که آن روز طرف مشورت وردی‌نژاد بودند رسانه چون معبر و ایستگاهی بود که قطار توسعه فرهنگی و سیاسی جامعه از آن عبور می‌کرد. اما دو سال زمان سپری شد تا ایده‌های جمع نخبگان و همفکران وردی‌نژاد در چهره یک روزنامه جدید تجسم یابد.

از انتخاب نام ایران و لوگوی خاطره انگیز آن که به پنجه هنر استاد غلامحسین امیرخانی کتابت شد تا طراحی صفحات رنگارنگش به دست گرافیست‌های کهنه کار، روزها و ساعات‌های بسیار صرف شد.

مقدر شده بود که ایران حلاوت تنوع و تفاوت را در ذائقه نسل نوی ایران جاری کند و با شعار بلند «روزنامه‌ای برای نسل نو» پنجره‌ای تازه به فردای بهتر بگشاید. مؤسسان ایران، اندیشه این تنوع را در چیدمان تحریریه به کار بستند. سازمان تحریریه ایران، پذیرای دو نسل از روزنامه نگاران شد. نسلی جوان و پرشور و نسلی کهنه کار و مجرب که همنشینی آن‌ها در فضای قطب بندی شده روز اتفاقی متهورانه رقم زد.

ورود هر روزنامه نگاری آن روز به تحریریه ایران در واقع گام نهادن بر پله اول مدارا و تعامل بود و از دل همین ترکیب و تعامل، روزنامه‌ای برآمد که اعتدال و میانه روی در خمیره آن سرشته شد.

در حلقه موسسیدان تحریریه ایران نام‌های احترام برانگیزی چون؛ حسین الهامی، محمد بلوری، محسن میرزایی، بهروز بهزادی و ابراهیم امین‌زاده قرار داشتند. این جمع سرشناس اغلب از دو روزنامه کهنسال اطلاعات و کیهان برخاسته بودند و همگی نوستالژی عصر طلایی مصباح‌زاده و مسعودی را با خود داشتند. حلقه روزنامه نگاران جوان ایران را افرادی نظیر؛ مجید رضائیان، حسین ضیایی، محمد خدادی و محمد تقی روغنی‌ها شکل می‌دادند.

طیف جوان خرسند از این بودند که در سایه حضور پیشکسوتان روزنامه نگاری، ایران، مدرسه و محفلی برای تجربه اندوزی شده است و پیران خانواده ما به اقبال نیک خویش می‌بالیدند که ایران محمل و محفلی برای عرضه اندیشه و دانش آن‌ها شده است.

به این صورت نهال رسانه‌ای ایران بر بستر اندیشه‌ها و ابتکارات آن جمع پرشور و ارجمند در وادی روزنامه نگاری پا گرفت و قد برافراشت. لاجرم همه کسانی که با کنجکاو در پی یافتن راز ماندگاری این روزنامه هستند باید در آرایش ترکیب آن روز تحریریه ایران تأمل کنند.

از این نظر، دفتر خاطرات خانواده ایران حکایت‌های نغز برای گفتن دارد. آن روزها، گروه بزرگان روزنامه به خلق ایده‌ها و اندیشه‌ها مبادرت می‌کردند و جوانترها این ایده‌های بکر را در قالب‌ها و سبک‌های زیبای اطلاع‌رسانی در صفحات روزنامه جاری می‌ساختند.

کافی است تورقی در برگ‌های آن روز دفتر ایران بکنید

سرمقاله‌های آن روز ایران عمدتاً آهنگ هم‌زمانی با آن بخش از مطالبات نسل جوان را داشت که در عصر دولت سازندگی و اصلاحات بروز و ظهور یافته بود. مطالباتی برای گشایش در فضای بسته اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. ستون‌های اول دفتر ایران اغلب به قلم خود وردی‌نژاد جاری می‌شد و در همه سال‌های عمر دولت سازندگی و اصلاحات از حق انتخاب، آزادی و آگاهی نسل نوجوی جامعه دفاع می‌کرد. صفحات اندیشه روزنامه با حال و هوایی متفاوت از دیگر روزنامه‌ها بسته می‌شد. دفتر گروه اندیشه ایران موارد بسیار از میزگرد و تضارب فکری بزرگان فلسفه و فقه را به یاد دارد. سمت و سوی مباحثی که میز اندیشه روزنامه ساخته و پرداخته می‌کرد چیزی نبود جز دفاع از حریم خرد و ضرورت نقد و ارائه چهره‌های عقلانی و رحمانی از دین.

در سوی دیگر تحریریه، صفحه‌ای نوپیدی به نام آئینه برای اولین بار باب ارتباط بی‌واسطه با مخاطبان را گشود. «آئینه» آن روز نقش یک تریبون آزاد را داشت و تحت عناوینی مثل میزگرد خیابانی هر بار صدا و سخن قشری از نسل جوان را منعکس می‌کرد.

ایران آن روز در صفحه حوادث خویش در سایه مدیریت محمد بلوری، سبکی نو را به نمایش گذاشت. در این نگاه، گروه حوادث از ملاحظات معمول آن روزها عبور کرد و از بسیاری آسیب‌های پنهان در لایه‌های مختلف جامعه پرده برداشت. زنده کردن صفحه تاریخ در روزنامه ایران آن روز، مرهون ابتکار و تجربه دو پیشکسوت این عرصه (محسن میرزایی و شادروان منصور تاراجی) است. این هنر بازگویی کتاب تاریخ برای نسل نو را چندی بعد انوشیروان کیهانی‌زاده در قالب ستون‌های ویژه تداوم بخشید.

به یمن اندیشه و تکاپوی این سلسله از اصحاب قلم بود که روزنامه ایران جایگاه یک رسانه مرجع را یافت. روزنامه‌ای که برخی رقیبانش آن را در حد و اندازه یک ارگان دولتی آرزو می‌کردند، در اندک زمانی به رسانه‌ای مقبول جامعه بویژه نسل جوان ایرانی تبدیل شد.

چندی پیش یکی از گزارشگران خوش ذوق در کتاب خاطراتش از ایران به عنوان مدرسه روزنامه نگاری در دهه 70 تعبیر کرد. او فهرست بلندی از روزنامه نگاران به خاطر آورد که زمانی پشت میزهای گزارش و خبر ایران قلم می‌زدند. از این فهرست غرورانگیز، اکنون جمعی بر کرسی سردبیری و مدیریت روزنامه‌های کشور تکیه زده‌اند، شماری پای در استودیوی شبکه‌های بزرگ تلویزیونی نهاده‌اند و برخی دیگر کسوت استادی دانشگاه به تن آراسته‌اند.